

واکاوی ازدواج‌های پیامبر اکرم (ص) با محوریت حضرت خدیجه (س)

ریحانه زارع زردینی^۱

سمیه سپهری^۲

چکیده

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) جایگاه بی‌بدیلی نزد پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) داشتند که به روش‌های مختلف آن را نشان داده و به صورت عملی مطرح کرده است. یکی از اموری که می‌توان به وسیله آن به جایگاه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پی برد، ازدواج‌های پیامبر است. تعدد ازدواج‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) با اهداف مختلفی صورت می‌گرفته است. گاهی این ازدواج‌ها به دلیل از بین بردن دشمنی با قبیله‌ها بود، گاهی برای سرپرستی و محافظت از زنان بی‌سرپرست و فرزندان مسلمانانی که در جنگ‌ها به شهادت رسیدند، گاهی به دلیل مقابله با سنت‌های غلط و جاهلی بوده است. این مقاله به روش توصیفی به بررسی اهداف ازدواج‌های پیامبر اکرم پرداخته تا جایگاه والای این بانوی بزرگوار، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بهتر شناخته شود.

واژگان کلیدی: پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، خدیجه (سلام الله علیها)، ازدواج، هدف.

^۱. طلبه سطح دو، حوزه علمیه حضرت زینب (سلام الله علیها)، s.sepehri1362@gmail.com

^۲. فارغ‌التحصیل سطح سه، مؤسسه آموزش عالی امام حسی (علیه السلام)، s.sepehri1362@gmail.com

پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم) به عنوان رهبر جامعه اسلامی برای مصلحت و سالم ماندن اهداف بزرگ اسلام و وظایفی داشتند. یکی از این وظایف این بود که با ازدواج خود با زنان مختلف در شرایط و زمان‌های مختلف، از اسلام و اهداف آن محافظت کنند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در سن بیست و پنج سالگی با عشق و علاقه‌ای شگفت‌انگیز، زندگی مشترک خود را با حضرت خدیجه (سلام الله علیها) آغاز کردند. و ثمره این زندگی پربرکت دختری معصوم بود. بعد از رحلت بانوی بزرگ اسلام حضرت خدیجه (سلام الله علیها) اسلام و مسلمانان مادر و بزرگ خویش را از دست داده و غمگین بودند و این غم برای پیامبر اکرم چندین برابر بود؛ چراکه ایشان همسر، حمایتگر، اولین ایمان آورنده و در واقع یار و یاور خود را از دست داده بودند. اما به دلیل وظیفه بزرگی که برعهده داشتند و مصلحت اسلام و مسلمین به دلایلی که به طور مختصر به آن می‌پردازیم و مصادیقی برای آن ذکر می‌کنیم ناچار به ازدواج‌هایی پس از رحلت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) شدند.

مقالاتی مرتبط با این موضوع وجود داشته است همچون؛ مقاله اهداف ازدواج‌های پیامبر اکرم از سید اسحاق شجاعی، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، سیده زهرا هاشمی، که برخی از اهداف ازدواج‌های پیامبر را بیان می‌دارد. اما در این مقاله سعی شده تا جایگاه و برتری حضرت خدیجه (سلام الله علیها) را از طریق ازدواج‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) ثابت کنیم.

حضرت خدیجه

حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، این بانوی شریف اولین همسر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بودند که این ازدواج پربرکت شباهتی به ازدواج‌های شناخته شده نداشت؛ چون در نوع خود بی نظیر بود و ویژگی‌های خاصی داشت.

ازدواج پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از سفر کاری پیامبر اکرم و همراه شدن با حضرت خدیجه آغاز شد. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) وقتی که از صدق گفتار و امانت و ایمان و اخلاق نیک پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مطلع شدند، شخصی را به همراه غلامش «میسره» نزد ایشان فرستاد و از او درخواست کرد که با اموالش به شام تجارت کند. (باقر شریف القرشی، ۱۳۹۵، ص ۴۱)

جان حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پس از شناخت خوی نیکو و اخلاق عالی پیامبر، پر از تحسین و تکریم پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) شد. او می‌دانست که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مانند سایر جوانان قریش

نیست؛ کسانی که در بازی و لودگی و هرزگی فرو رفته بودند. ایشان کمال و پاکی ذات و سایر محاسن اخلاقی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را دریافته بود و یقین داشتند که مقام بزرگ و آینده درخشانی خواهند داشت.

بزرگان قریش و صاحبان ثروت مانند عقبه ابن ابی معیط، ابوجهل و ابوسفیان برای خاستگاری حضرت خدیجه (سلام الله علیها) اقدام کردند اما حضرت خدیجه (سلام الله علیها) آن‌ها را طرد کرده به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) روی آورد. (باقر شریف القرشی، ۱۳۹۵، ص ۴۲)

در منابع آمده که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پس از اینکه توسط غلامشان میسره (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۹۳) با ویژگی‌های حضرت آشنا شدند و ایشان را امین بر اموالشان دیدند، پیشنهاد ازدواج را با نبی گرانقدر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) مطرح کردند و برخی دیگر از مورخان بر این باورند که حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، به دلیل صداقت، امانت، حسن خلق و درست‌کاری پیامبر، پیشنهاد ازدواج را مطرح ساخته‌اند. (ابن سید الناس، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۶۳)

همان طور که گفته شد ازدواج این دو بزرگوار شباهتی به ازدواج‌های دیگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نداشت و از ابتدا به عشق و علاقه و محبت از طرف هر دو صورت گرفته بود. این واقعیت را ابوطالب علیه السلام در خطبه عقد چنین بیان کردند: «و له فی الخدیجه رغبه و لها فیه رغبه؛ خدیجه و محمد هر دو علاقه مند به یکدیگر هستند.» (ثقه الاسلام ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی، ۳۲۹، ج ۹)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در فرصت‌های مناسب به همسر گرامی خویش ابراز علاقه و محبت می‌کرد. و در قالب اشعاری زیبا، مکنونات قلبی خویش را چنین ابراز می‌داشتند (سیده زهرا هاشمی، پاییز ۱۳۹۵):

فلو اننی امشیت فی کل نعمه / و دامت لی الدنیا و ملک الاکاسره / فما سویت عندی جناح بعوضه / اذا لم یکن
عینی لعینک ناظره؛ اگر تمام نعمت‌های دنیا و سلطنت‌های پادشاهان را داشته باشم و ملک آن‌ها همیشه از آن
من باشد، به نظر من به اندازه بال پشه ای ارزش ندارد زمانی که چشم من به چشم تو نیفتد (شیخ علی نمازی
شاهرودی، ج ۵، ص ۴۴)

بانو خدیجه (سلام الله علیها) زنی بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در مورد ایشان می‌فرماید: «چون همه از من روی می‌گردانیدند، او به من روی می‌کرد و چون همه از من می‌گریختند، به من محبت و مهربانی می‌کرد و چون همه دعوت مرا تکذیب می‌کردند، به من ایمان می‌آورد و مرا تصدیق می‌کرد. در مشکلات زندگی مرا یاری می‌داد و با مال خود کمک می‌کرد و غم از دلم می‌زدود. (علامه محمد باقر مجلسی، ج ۴۳، ص ۱۳)

نهایت عشق و علاقه حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) به خدیجه (سلام الله علیها) را می توان در روز فتح مکه دریافت. در آن روز ایشان مسیر حرکت خود را به گونه ای تعیین فرمودند که از کنار مزار خدیجه سلام الله علیهم عبور نمایند و در کنار قبر این بانوی بزرگوار خیمه زده و از آنجا لشکر مسلمانان را فرماندهی می کردند. بعد از رحلت حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) همیشه به یاد محبت ها و تلاش های او بود. پیامبر به بانو خدیجه آنچنان علاقه و محبت داشتند و قدر دان بودند که قبل از ایشان و حتی در زمانی که بانو در قید حیات بودند، همسری دیگر اختیار نکردند. (الامام شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، ج ۲، ص ۱۱۰)

این قدردانی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نسبت به حضرت خدیجه (سلام الله علیها) تنها به زمان حیات این بانو خلاصه نمی شد، بلکه پس از وفات ایشان نیز همواره او را یاد و تجلیل می کردند و از هر چیزی که به نوعی یاد و نام بانو را تداعی می کرد، به شاستگی استقبال می کردند. با آنکه همسران دیگری هم داشتند، هر وقت که به یاد حضرت خدیجه (سلام الله علیها) می افتادند، از ایشان به خوبی یاد می کردند و اشک از چشمانشان جاری می شد.

سرپرستی زنان بی سرپرست

برخی از زنانی که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با آنها ازدواج کردند از مسلمانان اولیه بودند که با شوهران مسلمان خود از شکنجه و آزار مشرکان قریش به حبشه مهاجرت کرده بودند. در آن جا شوهر خود را از دست داده و تنها و بی پناه مانده بودند. سرپرستی همسران شهدا یک وظیفه الهی و اجتماعی است که بر عهده پیامبر بود.

۱. سوده دختر زمعه

سوده دختر زمعه بن قیس دومین همسر حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه وآله وسلم) که قبل از هجرت به عقد حضرت در آمد اما قبل از ازدواج با پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم)، همسر پسر عمویش، السکران بن عمرو بود. (ویکی پدیا)

او با شوهرش السکران در مکه، اسلام پذیرفتند و به خاطر نجات از شکنجه های قریش به حبشه مهاجرت کردند. سکران در حبشه در گذشت و سوده بی سرپرست ماند و به ناچار به مکه بازگشت و به پیامبر پناه آورد.

اگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) او را نمی پذیرفت و به سرپرستی نمی گرفت ناچار به سوی بستگان مشرک خود مراجعه میکرد و آنان او را مجبور می کردند که دست از اسلام بر دارد و به شرک بازگردد. و اگر خواست آن ها را نمی پذیرفت تا حد مرگ شکنجه می شد و جان خود را از دست می داد که در این صورت مسلمانان اعتماد خود را نسبت به نبی اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) از دست می دادند و رهبری او زیر سوال می رفت. (سید اسحاق شجاعی، ۱۳۸۵)

علامه عسکری زندگی سوده و ازدواج او با پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) را چنین نگاشته است:

«سوده در ابتدا با پسر عموی خود "سکران" ازدواج کرد و صاحب پسری بنام عبدالله شد و به همراهی دیگر مسلمانان که برای دومین بار به حبشه مهاجرت می کردند، راهی آن دیار شد. سکران پس از مراجعت از حبشه در مکه درگذشت و سوده را بی پناه و بی سرپرست به جای گذاشت. رسول خدا نیز پس از وفات خدیجه سوده را به عقد خود درآورد. (علامه عسکری، ج ۱-۳، ص ۵۵).»

۲. حفصه دختر عمر بن خطاب

حَفْصَةُ دختر عُمَرُ بنِ خَطَّابِ همسر چهارم پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله وسلم) هستند. (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۴۰۵ ق، ج ۸، ص ۸۱) حفصه پیش از هجرت به مدینه، با خُنَیس بن حُذافه سهمی ازدواج کرد و به همراه او به حبشه و سپس به مدینه هجرت کردند و خنیس پس از جنگ بدر درگذشت. (ویکی پدیا)

ازدواج پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) با حفصه به این دلیل بود که او یک زن بیوه و بی سرپرست بود و چون پدرش عمر دغدغهی بی شوهری دختر بیوه اش حفصه را داشت، مجبور شد که خود شخصا برای ازدواج دخترش پیشقدم شود. به دنبال این فکر، نخست یاران رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را در نظر گرفت و ابتدا پیشنهاد خود را با عثمان از بنی امیه که مردی ثروتمند بود در میان گذاشت. با وجود آن که همسر عثمان درگذشته بود ولی عثمان پیشنهاد عمر را بر ازدواج با حفصه نپذیرفت. سپس عمر از ابوبکرخواست تا با حفصه ازدواج کند ولی ابوبکر هم زیر بار نرفت. عمر که از جواب رد این دو تن آزرده خاطر شده بود شکایت آنان را به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) برد و حضرت باب این گله و شکایت را بست و حفصه را در سال سوم هجرت به همسری خود برگزید. (سایت پرسمان دانشگاهیان)

۳. زینب دختر خزیمه

زینب دختر خزیمه همسر عبدالله بن حارث بن عبدالمطلب، عمو زاده پیامبر از مسلمانان اولیه و از یاران ایشان بود. او با همسرش زینب به مدینه مهاجرت کردند. عبدالله در جنگ احد کشته شد. (سید اسحاق شجاعی، ۱۳۸۵)

زینب نیز همسر شهید بود که بی پناه مانده بود از طرف پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خواستگاری شده و در رمضان سال سوم هجرت به عقد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) درآمد. (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۹۱)

۴. ام سلمه دختر ابوامیه

یکی دیگر از همسران شهدا که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آنان را به همسری خود برگزید، ام سلمه فرزند ابی امیه است. نام او هند بود و پیش از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با عبدالله ابی سلمه پسر عمه و برادر رضاعی پیامبر ازدواج کرده بود. آن دو در همان آغاز، اسلام آوردند و به حبشه و سپس به مدینه مهاجرت کردند.

در جنگ احد ابی سلمه مجروح شد و در اثر همان جراحت به شهادت رسید. ام سلمه چون سرپرستی نداشت و دارای چندین یتیم بود پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با او در سال چهارم هجری ازدواج کردند. (سید اسحاق شجاعی، ۱۳۸۵)

گفته شده که پس از انقضای عده، ابوبکر و سپس عمر از ام سلمه خواستگاری کردند، اما او نپذیرفت. آنگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خواستگار فرستاد و وی قبول کرد (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۰۳-۲۰۴)

به نقل شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام، ام سلمه پس از خدیجه (سلام الله علیها)، بافضیلت ترین زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بوده است. (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۱۹).

۵. جویریة دختر حارث

جویریة بنت حارث فرزند حارث بن ابی ضرار، رئیس قبیله بنی مصطلق بود. (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۲، ص ۶۳-۶۴، ج ۸، ص ۱۱۶-۱۱۷) جویریة پس از اینکه شوهر اولش در غزوه بنی مصطلق کشته شد، به اسارت سپاه اسلام درآمد و کنیز یکی از مسلمانان شد. او برای آزادی خود از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) درخواست کمک کرد و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) وی را خرید و آزاد کرد.

پس از آن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با جویریة در سال پنجم یا ششم هجری ازدواج کرد. پیامبر به عنوان مهریه او، چهل تن را آزاد کردند و مسلمانان در تأسی به پیامبر، همگی اسیران این جنگ را آزاد نمودند (سلیمان بن اشعث سجستانی، ج ۲، ص ۲۳۶)

۶. رمله (ام حبیبه) دختر ابوسفیان

ام حبیبه دختر ابوسفیان رئیس قبیله قریش، قدرتمندترین مرد مکه و بزرگترین مخالف پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. (ویکی شیعه) او با شوهرش عبیدالله بن جحش، اسلام اختیار کردند و به حبشه رفتند تا از شر دشمنان که پدرش از سرسخت ترین آنها بود در امان بمانند.

عبیدالله شوهر او تحت تاثیر محیط مسیحی حبشه قرار گرفت و مسیحی شد و بعدا در همان جا در گذشت. ام حبیبه در سرزمین غربت تنها ماند. او نمی توانست در مکه نزد پدرش بازگردد؛ زیرا ابوسفیان خود سر دسته شکنجه گران مسلمین بود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) کسی را به حبشه فرستاد و از ام حبیبه خواستگاری کرد و او هم با خوشحالی پذیرفت. در سال شش هجرت ازدواج رسول خدا با ام حبیبه در مدینه صورت گرفت. (سید اسحاق شجاعی، ۱۳۸۵)

باطل کردن سنت های جاهلی

زینب دختر جحش

زید ابن حارثه پسرخوانده رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و در خانه آن حضرت زندگی می کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خود، زینب دختر جحش را که از مسلمانان اولیه بود به عقد پسرخوانده خود درآورد اما آن دو با هم نساختند و زید همسر خود را طلاق داد. (ابن سعد، ج ۸، ص ۸۰)

برخی گمان می کردند که ازدواج با زن پسرخوانده مانند زن پسر واقعی جایز نیست. پیامبر اکرم با زینب ازدواج کرده (ابن سعد، ج ۵، ص ۳۹۴) تا بر این عقیده خرافی بازمانده از دوره جاهلیت، مبارزه و آن را باطل اعلام کند.

در پی آن ازدواج، آیه ۳۷ سوره مبارکه احزاب نازل شد و با اشاره به ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با همسر پسرخوانده اش، آن را بدون اشکال و درست دانست:

«فَلَمَّا قَضَىٰ ۞ زَيْنُ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا ۝ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا»

گفته شده که زینب به سبب اینکه ازدواج او با پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در آسمانها مقرر شده است بر دیگر همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) برتری می‌جست و پیامبر در ازدواج با زینب، ولیمه داد و گوسفندی کشت و با نان و گوشت از مهمانان پذیرایی کرد. (ابن سعد، ج ۸، ص ۱۰۳) ازدواج پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با زینب در آغاز ذی‌قعدة سال پنجم رخ داد. (ابن سعد، ج ۸، ص ۱۱۴؛ ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۱۸۴۹)

از بین رفتن روابط خصمانه قبایل و گسترش اسلام

از دیر باز میان قبایل مختلف عرب، عادات و رسوم بوده است که پاره‌ای از آنها تا به امروز نیز متداول و مرسوم می‌باشد. از جمله اینکه اگر در میان دو قبیله جنگ یا اختلافی صورت می‌گرفت برای جلوگیری از اختلاف‌ها، خونریزی و غارت و چپاول، بهترین راه چاره، پیوند زناشویی در میان دو قبیله متخاصم بود تا با ایجاد رابطه خویشی و وابستگی قبیله‌ای:

۱- از طرفی کشتار و چپاول بین دو طرف متوقف شود.

۲- از سویی دیگر به ازای دشمن، یارانی یکدل و هم‌پیمانی ثابت قدم برای خود دست و پا کرده باشند. (جوادی علی، ۱۹۸۰م، ج ۴، ص ۶۳۴)

۱. صفیه دختر حی بن اخطب

صفیه دختر بن اخطب از یهودیان خیبر بود. پس از صلح حدیبیه، در سال هفتم هجرت رسول خدا با یهودیان خیبر وارد جنگ شدند و این منطقه را فتح کردند. در این جنگ، پدر صفیه بزرگ بنی قریظه و کنانه بن ربیع شوهر صفیه کشته شد. (ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۱۸۷۱) و صفیه به اسارت مسلمانان در آمد.

پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) صفیه را به دین اسلام دعوت کرد و او پذیرفت، سپس پیامبر صفیه را آزاد و به همسری خود برگزید. (ابن اشیر، ج ۵، ص ۳۲۷) با این ازدواج:

اولاً وضعیت روحی صفیه بهبود پیدا کرد.

ثانیاً بنی قریظه روابط خصمانه شان با مسلمانان تخفیف یافت و باعث نرم شدن آنها و نزدیکی شان با پیامبر گردید. (سید محمد حسین طباطبایی، اسماعیلیان، ۱۳۹۱ق، ج ۴، ص ۲۱۰)

۲. میمونه دختر حارث

میمونه دختر حارث، از خانواده بزرگ و سرشناس مکه بود، ابتدا همسر ابی رهم بن عبدالله العزی بود که از دنیا رفت (الامام شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، ج ۲، ص ۲۳۹).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در سال ۷ هجری، سال بعد از صلح حدیبیه برای انجام عمره القضا وارد مکه شد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۲۵). میمونه که از بزرگی و هیبت مسلمانان در شگفت بود و به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) علاقه پیدا کرد بود (عایشه بنت الشاطی، ۱۹۸۵م، ص ۲۳۱-۲۳۲) این موضوع را با خواهرش، ام الفضل، همسر عباس بن عبدالمطلب در میان گذاشت و عباس نیز این مسئله را به اطلاع پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) رساند. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، جعفر بن ابی طالب را جهت خواستگاری به سوی او فرستاد. (بلاذری، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۴۴۶)

نقل شده هنگامی که خبر خواستگاری رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به او رسید، سوار بر شترش بود. در این هنگام از سر شادمانی فریاد برآورد: «شتر و کسی که سوار آن است، از آن خدا و رسولش باد». (ابن هشام، ج ۲، ص ۶۴۶) از این رو آیه ۵۰ سوره احزاب در مورد او نازل شد:

«وَ امْرَأَةٌ مُؤْمِنَةٌ اِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ؛ وَ زَنْ مَوْمِنِي كَهْ خَوْدِ رَا بَهْ پِيَامِبِرْ بَخْشِيْد» و در سال هفتم هجری عقد میمونه و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بسته شد. (ابن هشام، ۱۳۶۴ ش، ج ۲، ص ۲۴۷) این ازدواج باعث شد تا قبیله و خانواده او به اسلام گرایش پیدا کنند و به دفاع از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بپردازند و باعث تقویت اسلام و مسلمانان گردید. (سید اسحاق شجاعی، ۱۳۸۵)

۳. عایشه دختر ابوبکر

سومین همسر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)، عایشه دختر ابوبکر است. شکست مشرکین از محاصره ی اقتصادی شعب ابی طالب از یک طرف و وفات ابوطالب بزرگترین و قدرتمندترین حامی رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و رییس بنی هاشم و گسترش روز افزون اسلام از طرف دیگر، باعث شده بود که مشرکین مقابله ی با مسلمانان را تشدید کنند. چرا که دیگر نه ابوطالب زنده بود تا به احترام و یا ترس از او از برخورد فیزیکی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) دوری کنند و نه خدیجه همسر باوفای آن حضرت تا به خاطر او و اقوام او، مشرکین جرأت شدت عمل نیابند.

در چنین شرایطی بود که مشرکین مکه وارد فاز جدیدی از مبارزات شدند، که از برخورد فیزیکی به ساحت مقدس رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) شروع شد و تا تصمیم بر قتل آن حضرت ادامه یافت. (ابن هشام، ج ۲، ص ۵۷)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در محاصره مشکلات قرار گرفته بود. بعلاوه از دست دادن همسر با وفایش هم مشکلات او را دو چندان کرده بود.

حال برخی از یاران از روی محبت و علاقه (از نوعی که ما به اصطلاح آن را خاله خرسه می نامیم!) و برای اینکه مرهمی هر چند ضعیف بر دردهای رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) قرار دهند دختر ابوبکر، عایشه را به عنوان همسر به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) پیشنهاد کردند. با توجه به شرایطی که اشاره شد، اگر پیامبر خواستگاری دختر ابوبکر را نمی پذیرفت این شبهه در ذهن ابوبکر به وجود می آمد که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به من (یعنی یکی از مسلمانان ذی نفوذ مکه) اعتماد ندارد. از طرف دیگر ازدواج با دختر ابوبکر باعث می شد که رسول خدا از ناحیه ی قبیله «تیم بن مره» و بخشی از قریش خیالش آسوده شود.

به هر حال در چنین شرایطی بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ازدواج با دختر ابوبکر را پذیرفت. با این ازدواج دیگر طایفه ابوبکر به خود اجازه تعرض به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را نمی دادند، چرا که رسم آنان چنین حکم می کرد.

در این ازدواج باید به نکاتی توجه کرد:

- ۱- ازدواج با عایشه در شرایط زمانی خاص و حساس صورت پذیرفت که چاره ای جز آن نبود.
- ۲- اصل ازدواج پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با عایشه به درخواست پیامبر نبوده است. (محسن ابراهیم، ۱۳۸۵ ش، ص ۸۵-۹۶)

۳- هدف از این ازدواج هرگز انتخاب همسر و زناشویی نبوده است؛ چراکه:

الف) اظهارات خود اهل سنت است که سن عایشه را به هنگام ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) شش یا هفت سال دانسته اند. (محمد بن سعد، ج ۸، ص ۵۸؛ قرطبی، ج ۴، ص ۴۳۵ به بعد)

سِنّی که به روشنی، خود گویای آن است که هدف از این ازدواج، پذیرش همسر نبوده است و بنا به نقل اهل سنت و خود عایشه؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) عایشه را پس از گذشت چهار سال از زمان عقد، آن هم به اصرار پدرش ابوبکر به خانه برد. (سلیمان بن احمد طبرانی، ج ۲۳، ص ۲۵)

ب) اما طبق نقل شیعه سن عایشه پیش از این حرفها بوده و گذشت چهار سال از زمان عقد و عروسی نکردن پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با عایشه در این مدت خود گواه بزرگی به عدم تمایل حضرت به وی می باشد. (علامه جعفر مرتضی عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۲، ص ۲۶۳-۲۶۷)

پس روشن است که ازدواج پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) با عایشه از روی عشق و علاقه نبوده و فقط به خاطر نجات اسلام و مسلمین از دست مشرکان و گسترش اسلام بوده است.

نتیجه گیری

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) تا زمانی که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) زنده بود با هیچ زنی ازدواج نکردند و بعد از رحلت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) همواره از وی به نیکی یاد می کردند. این بیانگر شدت علاقه و محبت پیامبر به حضرت خدیجه و جایگاه رفیع ایشان نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) است و ازدواج های بعد از رحلت آن بانوی بزرگوار تماما به خاطر مصالح و اهداف خاصی بوده است.

منابع

• قرآن کریم.

۱. ابراهیم، محسن، (۱۳۸۵)، دفاع از پیامبر مظلوم - پیرامون ازدواج پیامبر با عایشه، قم، ابتکار دانش.
۲. ابن اشیر، اسد الغابه فی مصرفه الحصابه، ج ۵، دار الشعب، بیروت.
۳. ابن سید الناس، (۱۴۱۴ق)، عیون الاثر، ج ۱.
۴. ابن عبدالبر، (۱۹۹۲م)، الاستیعاب، ج ۴.
۵. ابن کثیر، (۱۴۰۷ق)، البدایة و النهایة، ج ۲.
۶. ابن هشام، (۱۳۶۴)، زندگی حضرت محمد، ترجمه: سیدهاشم رسولی، ج ۲، تهران: اسلامیه.
۷. ابن هشام، (۲۱۳ق)، السیره النبویه، دارالفکر، ج ۲.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۹۹۶م)، انساب الاشراف، ج ۱.

۹. ثقه الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی الرازی، (۳۲۹ق)، فروع کافی - الكتاب النكاح باب خطب النكاح، ج ۹.
۱۰. جواد علی، (۱۹۸۰م)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۱. الذهبی، شمس الدین ابو عبدالله، (۱۴۲۷ق)، سیر اعلام النبلاء، ج ۲.
۱۲. الزهری، محمد بن سعد بن منیع (ابن اسعد)، (۱۴۰۵ق)، الطبقات الكبرى، ج ۸.
۱۳. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، ج ۲.
۱۴. شجاعی، سید اسحاق، (۱۳۸۵)، اهداف ازدواج های پیامبر اکرم (ص).
۱۵. شریف القرشی، باقر، (۱۳۹۵)، ام المؤمنین حضرت خدیجه (س)؛ مضاربه پیامبر اکرم (ص) با اموال حضرت خدیجه (س)، ترجمه: سید محمد صالحی، قم: دارالتهذیب.
۱۶. شیخ صدوق، (۱۴۰۳ق)، الخصال، ج ۲.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۱ق)، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۴، قم: اسماعیلیان.
۱۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، ج ۲۳، قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
۱۹. طبری، محمد بن جریر، (۱۹۶۷م)، تاریخ الطبری، ج ۱۱.
۲۰. عاملی، علامه جعفر مرتضی، (۱۳۷۳)، سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام، ج ۲، ترجمه: تاج آبادی، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آزاد گرافیک.
۲۱. عایشه بنت الشاطی، (۱۹۸۵م)، نساء النبی.
۲۲. عسکری، علامه سید مرتضی، (۱۳۹۰)، نقش عایشه در تاریخ اسلام، ج ۱ تا ۳.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، (۱۰۳۷)، بحار الانوار، ج ۴۳.
۲۴. نمازی شاهرودی، شیخ علی، (۱۳۸۵)، مستدرک سفینه البحار، ج ۵.
۲۵. هاشمی، سیده زهرا، (۱۳۶۵)، حضرت خدیجه (س) و همسران پیامبر (ص).